روزنامه شرق

هنر

اصلاح‌طلبان به تدبیر سیاسی و گفت‌وگو پایبند هستند — صفحه ۱۰

نگاهی به ۸ دوره حضور اصلاح‌طلبانه در انتخابات مجلس — صفحه ۱۰

شرکت‌های «تولیدنما» معرکه‌گردان بحران‌های دارویی کشور — صفحه ۱۲

نمایی از فیلم جنگ ستارگان: خیزش نیرو

به مناسبت ۲۵ سالگی IMDB و پدیده جنگ ستارگان - بخش نخست

درآمدی بر معمای مخاطب: یک خوانش اقتصادی

بابک گرانفر . فیلم‌ساز و کارشناس سینما

فیلم خوب چیست؟ بهترین فیلم‌ها کدامند؟ اینها سؤالاتی هستند که گریبان هر بیننده‌ای را لااقل یک‌بار گرفته‌اند. باور کنیم یا نکنیم بهترین فیلم‌ها یا فیلم‌ترین فیلم‌ها معیار دارند. از بدو تأسیس سینما هر فرد یا گروهی برای پاسخ‌دادن به این سؤالات به ابداع یا اقتباس ضوابطی برای آنها روی آورده است. مآلا اهل‌فن، این معیارهای متعارف برتری را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

معیارهای نخبه‌گرایانه و عوام‌گرایانه «عالم هنر» یا جماعت هنری، ضابطان معیارهای نخبه‌گرایانه هستند و سهم آنها (شامل صنوف متعدد دست‌اندرکاران و منتقدان سینما، جشنواره‌ها و جوایزشان، انستیتوهای فیلم و ارزش‌گذاری‌های متناوبشان) تأثیر بسزایی در شکل‌گیری این معیارها دارد؛ با تلخیص و تخفیف، از نظر آنها اولویت با فیلمی است که غنای زیبایی‌شناسانه داشته باشد و جایگاهی هنری/تاریخی بیابد. «گیشه» یا فروش، ضابط معیارهای عوام‌گرایانه است و- باز هم با تلخیص و تخفیف- اولویت با فیلمی است که خوب می‌فروشد. طبیعتا مخاطب نیز باور خود را به هرکدام از این دو شق نظری منتسب می‌کند و فهم و داوری متعارف تا حدودی بر این باورهای دوگانه استوار است.

اما سؤال اینجاست که آیا واقعا هر فیلمی که خوب می‌فروشد، خوب است؟ یا هر فیلمی که توجه نخبگان هنر را برمی‌انگیزد، فیلم‌تر است؟ جزئیات زیاد این پاسخ‌ها مانع می‌شوند تا در این وجیزه بتوان به همه شئون آن پرداخت. اما برای روشن‌ترشدن این بحث غالبا طاقت‌فرسا و ترسیم چشم‌اندازی از مصادیق آن، نگارنده دست به تنظیم دو جدول زده است که (با تلخیص و تخفیف) عملکرد اقتصادی و هنری مقطعی از تاریخ سینما را بررسی می‌کنند. در قسمت اول این مقاله، به بررسی جدول پرفروش‌ترین‌ها می‌پردازیم و از این رهگذر این سؤال را مورد بررسی قرار می‌دهیم که «آیا واقعا هر فیلمی که خوب می‌فروشد، خوب است؟» تحلیل و مقایسه این دو جدول را در قسمت‌های بعدی این مقاله پی خواهیم گرفت.

۱- چندی قبل آی‌ام‌دی‌بی، مرجع معتبر اینترنتی فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، ۲۵ساله شد (برای سهولت کار، وب‌سایت « بانک اطلاعات سینمای ایران سوره» را نسخه فارسی آن تصور کنید). تولدی مبارک برای پایگاه داده‌های اینترنتی فیلم و یکی از ارزشمندترین مراجع ادبیات سینمایی (یا حتی ادبیات ثانویه در علوم انسانی). فلسفه تأسیس چنین دانشنامه‌ای، از یک‌سو بر گردآوری اطلاعات پیرامون عالم فیلم استوار است و از سویی دیگر، در پیونددادن بی‌واسطه این داده‌ها با نیازهای مخاطبان (چه با پوشش اخبار و نمایه‌های مختلف محصولات، چه با درجه‌بندی و فهرست‌سازی کاربران، چه با اعلام مرتب آمار فروش فیلم‌ها، چه با پوشش شبکه توزیع فیلم). حالا پس از ۲۵ سال، این پایگاه در نظر اهل فن نیز یکی از حلقه‌های میان تولید و توزیع فیلم است؛ حلقه‌ای که می‌تواند به پرکردن شکاف میان «گیشه» و «عالم هنر» کمک کند. به یمن تولد این مرجع، آی.ام. دی.بی فهرستی از پرفروش‌ترین عناوین تولیدی ۲۵ سال اخیر را منتشر کرد؛ فهرستی مبتنی‌بر فروش این فیلم‌ها در آمریکا و کانادا یا همان «بازار داخلی» به‌اصطلاح هالیوودی‌ها؛ فهرستی از ۲۵ محصول برتر اقتصادی این ۲۵ساله، در بزرگ‌ترین بازار جهان که از هر جهت قابل‌تأمل و بررسی است. چراکه در آن فروش فیلم‌های آشنا و مشهور، به اتکای قیمت امروز بلیت یک‌بار دیگر محاسبه شدند. اما این اتفاق هم‌زمان شد با اکران «جنگ ستارگان» و رکوردشکنی‌های پی‌درپی این فیلم در گیشه‌های مختلف. در نتیجه، رده‌بندی میزان فروش پرفروش‌ترین‌ها [ازجمله فهرست فوق] دست‌خوش تغییرات فاحشی شد و نظر بسیاری نسبت به عملکرد اقتصادی این «محصولات» تغییر کرد.

شاید برای بسیاری باورنکردنی باشد که برمبنای فروش داخلی، «بربادرفته» که در اکران خود فروشی معادل ۱۴۹میلیون‌دلار داشته است، با احتساب تورم بلیت، با ارزشی برابر یک میلیارد و ۷۳۹ میلیون دلار در صدر محصولات پرارزش تاریخ سینما بایستد. یا از آن بیشتر، سری «جنگ ستارگان» با احتساب تورم بلیت و جمع فروش داخلی قسمت‌های مختلف، پرارزش‌ترین برند تاریخ سینما از لحاظ اقتصادی باشد

با یک جست‌وجوی ساده اینترنتی برای یافتن فهرستی مشابه از پرفروش‌ترین فیلم‌های جهان، (فهرستی که ارزش اقتصادی محصولات سینمایی و برندها را به قیمت امروز محاسبه کرده باشد) به آماری دست می‌یابیم که از سوی باکس‌آفیس‌موجو (یکی از مراجع متقن گیشه و همکار آی‌ام‌دی‌بی) منتشر شده است؛ آماری دقیق که مضاف بر آن، عملکرد اقتصادی فیلم‌ها را نیز مندرج کرده است. با رده‌بندی‌های گوناگون سرشار از معیارهای حرفه‌ای سختگیرانه؛ از فروش داخلی و خارجی گرفته تا محاسبه تورم در فروش، ارزش اقتصادی تک‌تک عوامل اصلی فیلم و مانند اینها؛ کیمیای نابی که ارزش اقتصادی امروزین بسیاری از فیلم‌های قدیمی‌تر را نیز مانند یک «محصول» مشخص می‌کند. شاید برای بسیاری باورنکردنی باشد که برمبنای فروش داخلی، «بربادرفته» که در اکران خود فروشی معادل ۱۴۹میلیون‌دلار داشته است، با احتساب تورم بلیت، با ارزشی برابر یک میلیارد و ۷۳۹ میلیون دلار در صدر محصولات پرارزش تاریخ سینما بایستد. یا از آن بیشتر، سری «جنگ ستارگان» با احتساب تورم بلیت و جمع فروش داخلی قسمت‌های مختلف، پرارزش‌ترین برند تاریخ سینما از لحاظ اقتصادی باشد.

در جدول الف، فهرست اولیه آی‌ام‌دی‌بی از ۲۵ فیلم در ستون اول، رتبه و عملکرد اقتصادی هر فیلم در فهرست باکس‌آفیس‌موجو در ستون‌های دیگر و درجه‌ای که مخاطبان آی‌ام‌دی‌بی از ۱۰ به هر فیلم داده‌اند، در آخرین ستون قرار گرفته است. در ستون دوم و پنجم رتبه و ارزش اقتصادی (با اتکا به فروش داخلی) هرکدام از برترین تولیدات ۲۵ سال اخیر به قیمت امروز محاسبه شده‌اند. متأسفانه چنین دقت و وثوقی در مورد فروش خارجی (خارج از آمریکا و کانادا) محصولات آمریکایی و حتی غیرآمریکایی وجود ندارد. به‌عنوان نمونه استودیوهای هالیوودی در سال ۲۰۱۵ مسئولان آماردهی کشور چین را بارها متهم کردند که با دست‌کاری در آمار فروش انیمیشن چینی «شکار هیولا» آن‌را بالاتر از «سریع و خشن ۷» به‌عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال کشور چین اعلام کرده‌اند.

با این توصیف، این جدول یک استثنا دارد: «جنگ ستارگان». فروش و رکوردشکنی‌های«جنگ ستارگان» تا پایان هفته چهارم لحاظ شده است (پس از افتتاح در چین) و کماکان ادامه دارد.

تاکنون این فیلم توانسته است با فروشی بالغ بر ۸۵۰میلیون‌دلار، رکورد میزان فروش داخلی را (بدون احتساب تورم) بشکند. اما همان‌طور که در جدول ذیل (ستون‌های دوم و پنجم) می‌بینید، با احتساب تورم پس از «تایتانیک» قرار دارد. در بخش فروش خارجی (ستون هفتم) نیز این فیلم تاکنون توانسته به فروشی بالغ بر یک‌میلیارددلار دست پیدا کند که آن را پشت سر «تایتانیک» و «آواتار» در رده سوم فروش خارجی قرار می‌دهد. با توجه به پیش‌بینی‌ها و با این روند فروش، در چند هفته آتی این فیلم رکورد «تایتانیک» را در مجموع فروش یا همان فروش جهانی (ستون هشتم) به‌راحتی خواهد شکست. هرچند که رسیدن به فروش جهانی «آواتار» سخت و رسیدن به جایگاه «بربادرفته» در جدول فروش با احتساب تورم بلیت، بعید به نظر می‌رسد. ازاین‌رو، رتبه آن در ستون دوم صرفا حدس نگارنده بر این مبناست.

پی‌نوشت:

۱- فهرست پرفروش‌های ۲۵ ساله آی‌ام‌دی‌بی
www.imdb.com/list/ls079524317

۲- جدول پرفروش ترین‌های تاریخ سینمای آمریکا با احتساب تورم
www.boxofficemojo.com/alltime/adjusted.htm

جدول الف) برترین تولیدات ۲۵ سال گذشته در «گیشه» بازار داخلی (ارقام به‌میلیون‌دلار و برمبنای قیمت بلیت در سال ۲۰۱۶ است)

رتبه در IMDB	رتبه در باکس‌آفیس	عنوان فیلم/ سال تولید	استودیو	فروش داخلی با تورم	فروش داخلی به درصد	فروش خارجی به درصد	فروش واقعی جهانی	درجه‌بندی در IMDB
۱	۵	تایتانیک/ ۱۹۹۷	پارامونت	۱,۱۶۶,۴۳۵,۲۰۰	۶۵۸,۷ – ۳۰,۱	۱,۵۲۸,۱ –۶۹,۹	۲,۱۸۶,۸	۷,۷
۲	۱۱	جنگ ستارگان: خیزش نیرو/ ۲۰۱۵	بوئنا ویستا	۸۶۱,۳۳۴,۰۱۶	۸۶۱,۳–۴۶,۰	۱,۰۱۲,۶– ۵۴,۰	۱,۸۷۳,۹	۸,۴
۳	۱۵	آواتار/ ۲۰۰۹	فاکس	۸۳۷,۳۶۷,۹۰۰	۷۶۰,۵– ۲۷,۳	۲,۰۲۷,۵– ۷۲,۷	۲,۷۸۸,۰	۷,۹
۴	۱۷	پارک ژوراسیک/ ۱۹۹۳	یونیورسال	۷۹۱,۴۴۸,۰۰۰	۴۰۲,۵– ۳۹,۱	۶۲۶,۷– ۶۰,۹	۱,۰۲۹,۲	۸,۱
۵	۱۸	جنگ ستارگان ۱ :تهدید – شبح/ ۱۹۹۹	فاکس	۷۷۷,۵۸۷,۰۰۰	۴۷۴,۵ –۴۶,۲	۵۵۲,۵– ۵۳,۸	۱,۰۲۷	۶,۵
۶	۱۹	شیرشاه/ ۱۹۹۴	بوئنا ویستا	۷۶۷,۵۵۰,۷۰۰	۴۲۲,۸ – ۴۲,۸	۵۶۴,۷– ۵۷,۲	۹۸۷,۵	۸,۵
۷	۲۴	دنیای ژوراسیک/ ۲۰۱۵	یونیورسال	۶۸۰,۶۳۶,۶۰۰	۶۵۲,۳– ۳۹,۱	۱,۰۱۶,۷– ۶۰,۹	۱,۶۶۹	۷,۱
۸	۲۶	فارست گامپ/ ۱۹۹۴	پارامونت	۶۷۶,۸۵۴,۴۰۰	۳۳۰,۳– ۴۸,۷	۳۴۷,۷– ۵۱,۳	۶۷۷,۹	۸,۸
۹	۲۹	انتقام‌جویان/ ۲۰۱۲	بوئنا ویستا	۶۶۱,۹۴۷,۳۰۰	۶۲۳,۴– ۴۱,۰	۸۹۶,۲– ۵۹,۰	۱,۵۱۹,۶	۸,۱
۱۰	۳۱	شوالیه تاریکی/ ۲۰۰۸	برادران وارنر	۶۴۱,۰۶۰,۶۰۰	۵۳۴,۹– ۵۳,۲	۴۶۹,۷– ۴۶,۸–	۱,۰۰۴,۶	۹,۰
۱۱	۳۵	شرک ۲/ ۲۰۰۴	دریم‌ورکز	۶۱۱,۷۴۸,۵۰۰	۴۴۱,۲– ۴۸,۰	۴۷۸,۶– ۵۲,۰	۹۱۹,۸	۷,۲
۱۲	۳۸	مرد عنکبوتی/ ۲۰۰۲	سونی	۵۹۸,۲۶۳,۷۰۰	۴۰۳,۷– ۴۹,۱	۴۱۸,۰– ۵۰,۹	۸۲۱,۷	۷,۳
۱۳	۳۹	روز استقلال/ ۱۹۹۶	فاکس	۵۹۶,۴۰۵,۰۰۰	۳۰۶,۲– ۳۷,۵	۵۱۱,۲– ۶۲,۵	۸۱۷,۴	۶,۹
۱۴	۴۰	تنها در خانه/ ۱۹۹۰	فاکس	۵۸۳,۱۹۱,۴۰۰	۲۸۵,۸– ۵۹,۹	۱۹۰,۹– ۴۰,۱	۴۷۶,۷	۷,۵
۱۵	۴۸	دزدان دریایی کارایب: قفسه سینه مرد مرده/ ۲۰۰۶	بوئنا ویستا	۵۵۶,۴۵۰,۲۰۰	۴۲۳,۳– ۳۹,۷	۶۴۲,۹– ۶۰,۳	۱,۰۶۶,۲	۷,۳
۱۶	۵۴	ارباب حلقه‌ها: بازگشت پادشاه/ ۲۰۰۳	نیولاین	۵۳۰,۷۱۷,۸۰۰	۳۷۷,۸– ۳۳,۷	۷۴۲,۱– ۶۶,۳	۱,۱۱۹,۹	۸,۹
۱۷	۵۵	به‌دنبال نیمو/ ۲۰۰۳	بوئنا ویستا	۵۳۰,۲۵۹,۹۰۰	۳۸۰,۸– ۴۰,۷	۵۵۵,۹– ۵۹,۳	۹۳۶,۷	۸,۲
۱۸	۵۷	مرد عنکبوتی ۲/ ۲۰۰۴	سونی	۵۱۷,۹۶۶,۸۰۰	۳۷۳,۶– ۴۷,۷	۴۱۰,۲– ۵۲,۳	۷۸۳,۸	۷,۳
۱۹	۶۱	مصائب مسیح/ ۲۰۰۴	نیومارکت	۵۱۴,۰۵۸,۷۰۰	۳۷۰,۸– ۶۰,۶	۲۴۱,۱– ۳۹,۴–	۶۱۱,۹	۷,۱
۲۰	۶۲	جنگ ستارگان ۳: انتقام – سیث/ ۲۰۰۵	فاکس	۵۱۰,۷۴۸,۷۰۰	۳۸۰,۳– ۴۴,۸	۴۶۸,۵– ۵۵,۲	۸۴۸,۸	۷,۶
۲۱	۶۴	ارباب حلقه‌ها: دو برج/ ۲۰۰۲	نیولاین	۴۹۷,۰۱۴,۷۰۰	۳۴۲,۶– ۳۷,۰	۵۸۳,۵– ۶۳,۰	۹۲۶	۸,۷
۲۲	۶۵	شوالیه تاریکی برمی‌خیزد/ ۲۰۰۵	برادران وارنر	۴۹۵,۷۷۹,۳۰۰	۴۴۸,۱– ۴۱,۳	۶۳۶,۸– ۵۸,۷	۱,۰۸۴,۹	۸,۵
۲۳	۶۶	حس ششم/ ۱۹۹۹	بوئنا ویستا	۴۹۵,۷۵۶,۳۰۰	۲۹۳,۵– ۴۳,۶	۳۷۹,۳– ۵۶,۴	۶۷۲,۸	۸,۱
۲۴	۷۱	هری‌پاتر و سنگ جادوگر/ ۲۰۰۱	برادران وارنر	۴۸۱,۹۰۴,۸۰۰	۳۱۷,۶– ۳۲,۶	۶۵۷,۲– ۶۷,۴	۹۷۴,۸	۷,۵
۲۵	۷۹	ارباب حلقه‌ها: یاران حلقه/ ۲۰۰۱	نیولاین	۴۷۱,۸۲۱,۸۰۰	۳۱۵,۵– ۳۶,۲	۵۵۶,۰– ۶۳,۸	۸۷۱,۵	۸,۸

خیلی دور خیلی نزدیک

«ممیرو» در هند جایزه گرفت

فیلم سینمایی «ممیرو» از جشنواره فیلم «پونا»ی هندوستان دو جایزه گرفت. چهاردهمین جشنواره فیلم «پونا» که از ۲۴ دی تا اول بهمن در شهر «پونا» در هند برگزار شد، دو جایزه بهترین فیلم به‌همراه ۱۵هزاردلار جایزه نقدی و جایزه ویژه هیأت داوران برای بهترین بازیگری همراه با ۲۵هزار روپیه را به فیلم سینمایی «ممیرو»، ساخته سیدهادی محقق، اعطا کرد. رضا درمیشیان یکی از اعضای هیأت داوران این جشنواره بود و فیلم «عصبانی نیستم!» او نیز نمایش ویژه‌ای در جشنواره داشت. فیلم‌های «بهمن»، ساخته مرتضی فرشباف، «احتمال باران اسیدی»، ساخته بهتاش صناعی‌ها، «تاکسی»، ساخته جعفر پناهی و «آغی»، ساخته یوسف کارگرد، نیز دیگر فیلم‌های ایرانی جشنواره فیلم پونا بودند. فیلم «ممیرو» در اولین نمایش جهانی خود در بیستمین جشنواره فیلم بوسان کره‌جنوبی در مهرماه گذشته به نمایش درآمد و جایزه بهترین فیلم جشنواره را به‌همراه ۳۰ هزاردلار و جایزه فیپرشی را از آن خود کرد. این فیلم پس از آن در سی‌ونهمین جشنواره فیلم سائوپولو و بیستمین جشنواره فیلم کرالای هند حضور داشت.

پاسخ دبیر جشنواره تئاتر فجر به یک ابهام

شرق: سعید اسدی، اعمال نفوذ فرد یا نهادی مانند مؤسسه توسعه هنرهای معاصر در تعیین بدون مناقصه سامانه فروش بلیت جشنواره تئاتر فجر را رد کرد. به گزارش ایلنا، دبیر سی‌وچهارمین جشنواره تئاتر فجر درباره شرایط انتخاب سامانه فروش بلیت این رویداد و پاسخ به این پرسش که آیا برای تعیین این سامانه، مناقصه‌ای برگزار شده است، گفت: «شرایط به‌گونه‌ای بود که همه سایت‌های فروش بلیت، دقیقه ۹۰ پای کار آمدند و ما با توجه به زمان‌بندی برگزاری جشنواره باید دست به انتخاب می‌زدیم تا برنامه‌ریزی‌ها سرعت منطقی داشته باشد. برهمین‌اساس، پس از مطالعه زیرساخت‌های موجود و بررسی گزینه‌ها، با سایت فعلی قرارداد بستیم». او ادامه داد: «متأسفانه امکانات در حوزه تئاتر اصلا کافی نیست و بخش‌های صنعتی و بنگاه‌های خصوصی توجه چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش نشان نمی‌دهند. ایده اصلی ما درباره ساماندهی فروش بلیت‌های جشنواره این بود که کاری کنیم تا مانند دوره‌های گذشته شاهد بی‌نظمی و ازدحام مخاطبان پشت در سالن‌های نمایشی نباشیم». اسدی در پاسخ به این پرسش که آیا سامانه موردنظر مانند آنچه در جشنواره‌های فیلم و موسیقی جریان دارد پیشنهادهای خاصی برای جشنواره به همراه آورد، اظهار کرد: «همه می‌دانیم موسیقی و سینما در مقایسه با تئاتر، از شرایط خاصی برخوردار هستند و به دلیل وجود عواملی مانند «ستاره‌ها»، متفاوت عمل می‌کنند. نباید فراموش کنیم به دلیل وجود همین موارد در این عرصه‌ها، گاهی در بخش‌های کوچکی مانند فروش بلیت نیز رقابت‌هایی شکل می‌گیرد که بعضا اخلاقی و سازنده به نظر نمی‌رسد و من به عنوان دبیر جشنواره تئاتر فجر هیچ‌گاه حاضر نیستم به چنین شرایطی تن دهم».

هنر هفتم

بیراهه سینمای مستند ایران

فریادرس سینمای مستند

رضا درستکار
منتقد

پرسش‌های بسیاری درباره سینمای مستند در کشور ما وجود دارد و با وجود اینکه این سینما ظرفیت‌های بسیاری در کشور ما دارد، متأسفانه سال‌هاست مافیای کوچکی روی این سینما خیمه زده و تقریبا در همه جشنواره‌ها، اعم از جشنواره سینما حقیقت تا جشنواره فیلم فجر، از هیأت انتخاب گرفته تا هیأت داوری و... سایه این مافیا برسر سینمای مستند وجود دارد. این حلقه محدود آدم‌های نسل قبل‌تر سینمای مستند ایران را تحت نفوذ خودشان قرار داده‌اند و تقریبا سدهایی برای رشدونمو و تغییر گرانیگاه این سینما به وجود آورده‌اند و اجازه نمی‌دهند این گرانیگاه از تلخ‌نگری (این خانه سیاه است) به سمت فیلم‌های بهتر و شاداب‌تر حرکت کند و هر حرکت تازه‌ای را در نطفه خفه می‌کنند. جالب اینجاست، این مافیای کوچک، مخصوص دوره و مدیریت خاصی هم نیست و از گذشته تا به حال حضور داشته و سایه سنگینش بر سر سینمای مستند است. این گروه خاص یا فیلم‌هایی می‌سازند که توقع دارند حتما در بخش مسابقه حضور داشته باشد یا زمانی هم که فیلمی در جشنواره ندارند، لزوما باید در هیأت انتخاب یا داوری یا اعضای شورای سیاست‌گذاری جشنواره‌ها باشند و قدرتشان را به نمایش بگذارند. حقیقت این است، سینمای مستند در تمام دنیا دچار تغییر و تحولات شده است و اثرات مثبت آن در سینمای مستند ایران هم حس می‌شود. اما متأسفانه به دلیل برخی اتفاقات ازجمله معضلی که درباره آن بحث می‌کنیم، این تغییرات مثبت در سینمای ما قابل مشاهده نیست.

متأسفانه در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر نیز با این معضل روبه‌رو هستیم. به این صورت که از ۹۰،۸۰ فیلمی که به دبیرخانه رسیده ۱۱فیلم

انتخاب شده است که ۹ فیلم، همان فیلم‌های حاضر در جشنواره سینما حقیقت هستند و این نشان می‌دهد عده‌ای اصرار دارند خون تازه‌ای به سینمای مستند ایران تزریق نشود. متأسفانه اگر سینماگرانی تن به تولیت این دوستان ندهند، محکوم به نابودی هستند و ظاهرا نمی‌توان کاری انجام داد و مغضوب این دوستان خواهند شد. مثال بارز این اتفاق خود من هستم که چند سال پیش به عملکرد هیأت انتخاب بخش مستند خانه سینما اعتراض کردم و هشت سال مورد غضب این آقایان قرار گرفتم اما چون دیگر از من گذشته است، با صدای بلند اعتراضم را بیان می‌کنم. این دوستان متوجه نیستند سینمای مستند ایران بسیار جسور و پرقدرت عمل می‌کند و نمی‌توانند جلوی این موج قوی را بگیرند و از طرف دیگر، متأسفانه همین حلقه مافیای کوچک در همه این سال‌ها هم نتوانسته آثاری ارائه دهد که ثابت کند هنوز می‌تواند کارهای باکیفیت خلق کند یا دست‌کم به اندازه همان فیلم (این خانه سیاه است)، اثری تولید کند. از نظر من، این حلقه کوچک در فهم هسته اصلی سینما، دچار اشکال بزرگی است. حتی فیلم «این خانه سیاه است» که برای این دوستان فیلم کاملی است و (من هم معتقدم اساسا فیلم مستند خوبی است، اما در همه این سال‌ها بهتر از این نیز ساخته شده است)، این دوستان فکر می‌کنند لزوما هر فیلم مستند باید تصویری سیاه از ایران ارائه دهد و در غیراین‌صورت فیلم نیست. درحالی‌که همان فیلم «این خانه سیاه است» هم فیلمی پر از امید است و متأسفانه این حلقه کوچک، ارزش سینما را درک نمی‌کنند و از درک ظرفیت‌های جدید سینما بی‌خبر هستند. این خوداستادنامیدگان از درک فیلم خوب بی‌بهره هستند و سد بزرگی در سینمای مستند به وجود آورده‌اند. از کوچکی این حلقه همین بس که با وجود حضور در همه دولت‌ها و جشنواره‌ها، هنوز نتوانسته‌اند فیلم‌ها و سینمای مستند را به خاطره جمعی تبدیل کنند و متأسفانه نگاهشان دورهمی است. درنهایت تصور می‌کنم حذف این تعداد فیلم در جشنواره فیلم فجر پیش‌رو در بخش مستند، نشان می‌دهد این حلقه کوچک مثل گذشته اصرار دارند میدان‌دار این عرصه باشند درحالی‌که نسل تغییر کرده و افق‌های سینما فراخ‌تر شده است و تعدادی از این دوستان به تاریخ پیوستند و در حوصله زمانه نمی‌گنجند و همچنان اصرار دارند همه‌جا به‌عنوان بزرگ‌تر به حساب بیایند. توصیه من به این دوستان این است، تا شرایط بدتر از این نشده حرمت خودشان را حفظ کنند و از این حوزه جدا شوند. از نظر من مهم‌ترین دلیل که این دوستان نمی‌توانند در سینما حضور داشته باشند، این است که دیگر شوقی به کار ندارند و جریان عظیم سینمای مستند به زودی این دوستان را با خود خواهد برد و گاهی با خودم فکر می‌کنم کاش مثل آقای طیاب گوشه می‌نشستند و سمت استادی خودشان را حفظ می‌کردند. ای‌کاش سینمای مستند نیز مثل فیلم کوتاه، از جشنواره فیلم فجر حذف می‌شد و ای کاش برای جلوگیری از اتفاقاتی که پیش‌تر به آن اشاره کردند، حداقل بخش رقابت را در سینمای مستند در جشنواره فیلم فجر حذف کنند شاید در این صورت این استادخودنامیدگان سر عقل بیایند و فکری به حال خودشان کنند.